

اهمیت و ارزش بقعه شیخ صافی الدین اردبیلی در معماری و هنرهای اسلامی (۶۵۰-۷۳۵ ق)

حسن مجربی*، علی غلامی فیروزجائی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم انتظامی امین؛ دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

تاریخ دریافت: (۱۳۹۵/۸/۱۳) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۶/۱۲/۱۳)

The Importance and Value of Sheikh Safi al-Din Ardebili's Tomb in the Islamic Architecture and Arts (650-735 AH)

Hassan Mojarrabi; Ali Gholami Firoozjaee

Assistant Professor of Islamic Studies, Amin Police University;
Ph.D Islam History, Imam Khomeini International University of Qazvin

Received: (2016.11.03)

Accepted: (2018.03.04)

Abstract

Sheikh Safi's tomb is of special significance in the field of architecture and arts. This monument is from the works of the seventh century AH and has gradually expanded to the present state. The building was originally a monastery residence of mystics and the center of Sufis. But after them, Sheikh Sadr al-Din, made it pantyhose. This research seeks to answer the question of what historic status of art and architecture has been in history? The result of this research shows that the tomb of Sheikh Safi al-Din Ardebili is one of the most important and valuable works of Islamic art and architecture of the Safavid period. Despite the effect of natural factors such as earthquakes, floods and destruction, the tomb are considered a top Iranian art work and the style of Azeri and Islamic architecture.

The present article deals with the field study and descriptive-analytical methods and relying on library texts to evaluate the history of the construction, change and development of the tombstone and its collections, as well as the importance of its architectural and artistic value.

Keywords: Ardebil, Sheikh Safi's tomb, Sadr al-Din, Chinese House (The place where during the Safavid period was the storage site of Zarrineh, Shimonos and custom containers of Shah Abbas I From China), Dome of Allah Allah.

چکیده

بقعه شیخ صافی الدین از نظر معماری و هنرهای اسلامی دارای اهمیت و ارزش خاصی است. این بقعه از آثار قرن هفتم هجری بوده و به تدریج توسعه و گسترش یافته و به وضع فعلی درآمده است. بنای مذکور، ابتدا خانقاه و محل سکونت شیخ و کانون صوفیان و مریدان او بود. اما پس از او، شیخ صدرالدین آن را به صورت بقعه درآورد. این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که بقعه مذکور از لحاظ هنری و معماری از چه جایگاهی در طول تاریخ برخوردار بوده است؟ نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که بقعه شیخ صافی الدین اردبیلی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین آثار هنر و معماری اسلامی یادگار دوره صفویه است و با وجود اثر عوامل طبیعی مثل زلزله، سیل و ویرانی‌های ناشی از آن، باز هم از عنصرهای عالی ایران محسوب شده و به صورت عینی، تلاش‌های هنرمندان ایرانی و سبک معماری آذری و اسلامی مشهود بازتاب داده است.

مقاله حاضر، با روشی میدانی و توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر متون کتابخانه‌ای، به ارزیابی تاریخ ساخت، تغییر و توسعه بقعه و مجموعه‌هایش و همچنین بررسی اهمیت و ارزش معماری و هنری آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: اردبیل، بقعه شیخ صافی، صدرالدین، چینی‌خانه، گنبد الله
الله.

۱. مقدمه

بتوان کمک ناچیزی در راه بیان ارزش این اثر مهم نمود. درباره پیشینه تحقیق باید گفت مقاله‌هایی چون «بقعه شیخ صفی» نوشته سید عبدالرحیم خلخالی، ۱۳۰۵؛ «آرامگاه شیخ صفی‌الدین» از علی‌اکبر علایی و مقاله «گنجینه شیخ صفی‌الدین اردبیلی» تألیف محمدعلی اختری، ۱۳۷۸ درباره بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و ارزش هنری کتیبه‌های آن تدوین شده است ولیکن اهمیت مقاله پیش رو بر خلاف مقالات تدوین شده، در بیان ارزش و جایگاه والای هنری و معماری بناهای مختلف بقعه می‌باشد که در ادامه مفصل اشاره خواهد شد.

۲. شرحی بر تاریخچه بقعه

بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از مهم‌ترین آثار تاریخی شهر اردبیل است که از لحاظ معماری و کاشی‌کاری از شاهکارهای سده هشتم هجری و سال‌های پس از آن بوده و پس از وفات شیخ، به وسیله فرزند وی پایه‌گذاری شد و شاه عباس بناهای مهمی به این مجموعه افزود و اصلاحاتی در آن انجام داد. تحقیق و بررسی هنر و توسعه آن در عصر صفوی که بیشتر نشانه‌هایش به صورت بناها و آثار اسلامی، به یادگار مانده است، به شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی آن عصر بستگی تام دارد. بهترین توصیف از این بقعه در سفرنامه‌های اروپاییانی چون آدام اولناریوس، پیترو دولاوله و تاورنیه آمده است. مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین، به وسیله صدرالدین موسی (۷۰۴-۷۹۳ق) تأسیس شد. در دوران صفویه، واحدهایی به صورت بخش‌های الحاقی به مجموعه قبلی اضافه و به مناسبت ارادت شایان توجهی که حاکمان صفوی به

در بین دوره‌های مختلف تاریخ ایران، حکومت صفویه (۹۰۷-۱۳۵ق)، از نظر تجلی، رشد و پیشرفت هنر و ارائه عرصه گسترده برای هنرمندان، از جایگاه خاصی برخوردار بود. در این عهد پیشرفت‌ها و تحولات بسیاری در فنون و هنر رخ داد. مخصوصاً معماری که در حکومت طولانی این خاندان به درجه بلندی از ابداع و استواری رسید چنان که در این دوره بناهایی بزرگ و عالی مانند کاخ‌های عالی قاپو، چهل ستون، هشت بهشت و تالار اشرف در اصفهان و سر درب عالی قاپو و چهل ستون در قزوین ساخته شدند. باید پذیرفت که در این دوران، بار دیگر عصر درخشانی و باشکوهی در هنر و معماری ایران ظهور کرد. در این میان بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از مهم‌ترین آثار تاریخی شهر اردبیل و از بناهای کم‌نظیر تاریخی ایران دوره صفویه است که از لحاظ معماری و کاشی‌کاری از شاهکارهای سده هشتم هجری و سال‌های پس از آن بوده و پس از وفات شیخ (۷۳۵ق)، به وسیله فرزند وی پایه‌گذاری شد و شاه عباس نیز بناهای مهمی به این مجموعه افزود و اصلاحاتی در آن انجام داد. بنای مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی دارای آثار و بناهای معماری و کتیبه‌هایی زیبا و نفیس است. لزوم شناسایی و بررسی مجموعه فوق که در تاریخ دوره صفویه بسیار مهم و شاخص بود، ما را در شناخت کامل و عمیق هنر مذهبی و معماری این دوره یاری خواهد کرد. به دلیل اهمیت و ارزش هنری و معماری این بقعه، پژوهش حاضر درباره آن و دیگر آثار و بناهای تاریخی موجود در آن انجام گرفته است و امید است با بیان و شناساندن آنها

داد و به صورت کنونی و همچون قصر و دربار پادشاهی درآورد (اولناریوس، ۱۳۷۹: ۴۴۹).

اهمیت زیاد بقعه شیخ صفی به همراه تعدادی از بناهای دوره‌های مختلف تاریخی، به‌طور کلی در رابطه‌ای که با سلسله خاندان سلاطین صفویه دارد، جلوه‌گر می‌شود. اسلاف شاهان صفویه و نیز شاه اسماعیل اول، در داخل این مجموعه تاریخی به خاک سپرده شده‌اند. روند ساخت، تکمیل و توسعه مجموعه بناهای مذهبی شیخ صفی به صورت ذیل است:

۱. مقبره شیخ صفی که در طول ده سال (۷۲۵-۷۳۵ق) توسط شیخ صدرالدین موسی ساخته شد (سیوری، ۱۳۷۴: ۹).

۲. مسجد شیخ که احتمالاً از قرن هفتم هجری آرامگاه بوده است.

۳. حرم‌خانه که از نظر سبک ساختمانی، گنبد و از لحاظ تاریخ مانند مسجد است.

۴. اتصال عمارت منفرد به یکدیگر، احداث نخستین مجموعه در اطراف حیاط بزرگ و همچنین افزودن شده نمازخانه‌ای به مقبره شیخ صفی توسط شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) انجام شد.

۵. شاه عباس (۹۹۵-۱۰۳۸ق): احتمالاً چینی‌خانه مربوط به دوره وی بوده است. تأسیس محلی برای اسکان روحانیون، پناهندگان و توسعه مسجد و ایجاد حیاط‌های خارجی مربوط به این زمان می‌باشد.

۶. شاه صفی اول (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق): در زمان وی پاره‌ای از فعالیت‌های معماری شاه عباس ادامه و تکمیل شده است.

۷. شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق): احتمالاً

جد خود داشتند، برای تزیین و تکامل این بنا، اهتمام و توجه کافی داشتند. این بقعه ابتدا خانه مسکونی شیخ بود که پس از وفاتش، جسد او را نیز در همان‌جا دفن کردند (خلخال، ۱۳۰۵: ۲۹۷؛ ورجاوند، ۱۳۷۰: ۳/ ۳۶۷). از موارد استثنایی این مجموعه، کتیبه‌های زیبا و نفیس می‌باشد که به خط خطاطان بزرگ دوره صفوی (میرعماد، میرقوام‌الدین، محمد اسماعیل و علیرضا عباسی) نوشته شده است. بقعه مذکور، حاوی ده‌ها اثر بدیع در مضامین مختلف هنری، از جمله عالی‌ترین نوع کاشی‌کاری معرق و مقرنس، گچ‌بری، کتیبه‌های زیبا و نفیس به خط خطاطان بزرگ دوره صفوی، منبت‌های ارزنده، نقره-کاری، تذهیب و طلاکاری و نقاشی است.

بقعه از نظر کاشی‌کاری و تزیینات از بناهای تاریخی زیبای دوره صفوی محسوب می‌شود (مجری، ۱۳۹۲: ۱۲۳). ساخت مجموعه فوق، به صورت کنونی، در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ق) آغاز و سپس در دوره شاهان بعدی این دوره تکمیل گردید. در دوره شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۸ق) مجموعه بسیار نفیسی از ظروف چینی، کتابخانه‌ای گران‌بها و بنای چینی‌خانه به آن اضافه شد (دیباچ، ۱۳۴۶: ۳۶؛ مشکور، ۱۳۴۹: ۳۰۵). از جمله اشیای بسیار نفیس بقعه، فرش مشهور اردبیل است که در حال حاضر در موزه ویکتوریا و آلبرت، در لندن، نگهداری می‌شود.

۳. تغییر و توسعه بقعه

شیخ صدرالدین پس از مرگ پدر، ساخت این بنا را به وسیله معماری حجازی آغاز نمود (مجری، ۱۳۹۲: ۱۲۲) و بعد از آن شیخ جنید (م. ۸۶۰ق) آن را توسعه

در دوران شاه عباس دوم، کتیبه درگاه اصلی بیرونی در سال ۱۰۵۷ق، خاتمه یافت (ویور، ۱۳۵۶: ۸۹).

اما احتمالاً وسیع‌ترین تغییرات مربوط به دوره شاه طهماسب است. برج‌های مقبره‌ای منفرد که با افزودن بناها و حیاط‌هایی میانشان (به صورت مجموعه‌ای که به شکل کنونی می‌بینیم) درآمده است (همان‌جا). سقوط دولت صفویه، آغاز ویرانی و خرابی بقعه بوده است و جنگ‌های ایران و روس در دوره قاجاریه این ویرانی‌ها را تشدید کرد و بلایای طبیعی همچون زلزله بر خرابی آن افزود. ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) در سال ۱۳۰۱ق، بعد از خرابی در بناهای مجموعه شیخ صفی، به تعمیر آن اقدام نمود و با مرمت سقف نمازخانه و تعمیر شکاف‌هایی که بین کاشی‌ها به وجود آمده بود، از خرابی بیشتر بنا ممانعت کرد (همان: ۸۰).

مزار شیخ صفی بر اثر موقوفات و هدایای زیادی که مرتباً به آن تقدیم می‌شد، دارای شرایط مالی مناسبی بود؛ و، بنا به نوشته اولناریوس

دارایی آن به حدی است که در هنگام جنگ توانایی تجهیز یک ارتش بزرگ را دارد و به همین جهت نقطه اتکا و پشتوانه بزرگی برای سلاطین ایران بوده است. غیر از نقدینگی، مزار شیخ صفی دارای اموال غیرمنقول فراوان همچون خانه، مستغلات و روستاهایی است؛ چنانچه به تنهایی ۲۰۰ خانه، ۹ حمام، هشت کاروانسرا، بازار قیصریه و تمام مغازه‌های میدان بزرگ جلوی آن و همچنین بازار گندم و نمک اردبیل نیز جز موقوفات مزار شیخ صفی است. سایر موقوفات این مزار نیز چند کاروانسرا و مغازه در قزوین، چند کاروانسرا و

حمام در گیلان و شهر آستارا، مراتع آب شور و علف شور مغان و بالاخره نیمی از روستاهای گرمرود و هشتروند هستند (اولناریوس، ۱۳۷۹: ۴۴۹).

همچنین در سفرنامه‌ها آمده که برخی ایرانیان به هنگام مسافرت و یا بیماری نذر می‌کنند که اگر از سفر به سلامت بازگشته و یا از بیماری نجات یافتند مقداری پول، ملک و یا اسب و چهارپایان را وقف مزار شیخ صفی نمایند. بدین ترتیب بر موقوفات و ذخائر مالی مزار شیخ اضافه می‌گردد (همان: همان‌جا؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۱۷۵۹/۵).

در نیمه اول قرن دهم هجری و به هنگام سلطنت شاه اسماعیل، بر زینت و وسعت بقعه افزوده شد. شاه طهماسب نیز، بقعه و بناهای وابسته را تکمیل و به یکدیگر مربوط ساخت و مسجد، قنديل‌خانه یا دارالْحُفَاط و صحنی بر آنها اضافه نمود (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۵: ۸۸-۹۰). قالی معروف بقعه شیخ صفی، به دست هنرمندان کاشانی در کارخانه شاهی تبریز بافته شد. شاه طهماسب علاقه وافری به فرش داشت و خودش آن را به مقام یک هنر ارتقا داد. به طوری که فرش معروف اردبیل که یکی از بزرگترین گنجینه‌های موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن است، به ایشان تعلق دارد (مطراچی، ۱۳۷۹: ۶۹).

شاه عباس، توجه ویژه‌ای به زادگاه جد خود در اردبیل داشت؛ به طوری که در طول حکومت خود، بارها به اردبیل مسافرت نمود و مشتاقانه قبر جدش را زیارت کرد. طبق متن صریح تاریخ

شاه عباس، در ماه شعبان ۱۰۱۴ هجری، در آرامگاه شیخ صفی و ساختمان‌های آن تعمیراتی از جمله، تجدید آشپزخانه انجام داد (فلسفی، ۱۳۶۴: ۳/ ۹۸۹).

۴. چینی‌خانه

۴-۱. تاریخ بنای چینی‌خانه

چینی‌خانه متعلق به آشپزخانه^۱ بوده و هر دوی آن از تأسیسات و موقوفات شاه عباس اول بوده است. کتابخانه نیز در همین ساختمان قرار داشت به طوری که کتاب‌ها را در طاقچه‌هایی که درهای چوبی مخصوص داشت قرار داده بودند (دلاواله، ۱۳۴۸: ۳۷۱).

عمارت چینی‌خانه، ساختمانی است که بر روی یک بنای قدیمی‌تر و یا در داخل آن احداث شده است. به‌طور کلی درباره تاریخ ایجاد عمارت چینی‌خانه، اسناد و مدارک محکم و قابل اعتمادی در دست نیست. ظاهر کهنه و فرسوده این عمارت و همچنین ناهماهنگی آن با سایر تأسیسات بقعه، بیانگر آن است که بنای این ساختمان به قبل از قرن هشتم هجری بازمی‌گردد (گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۴: ۲۰۶)؛ ولیکن اسماعیل دیباج که در سال ۱۳۲۸ق مسئولیت بررسی و مرمت بناهای بقعه شیخ صفی‌الدین را بر عهده داشت، بنای چینی‌خانه را از اقدامات شاه صفی می‌داند (دیباج، ۱۳۴۶: ۵۵) و صفری در مبحث چینی‌خانه، نظری بر خلاف دیباج بیان می‌کند. وی در این مورد معتقد است، در زمان سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) و در سال ۱۰۵۷ق، هم‌زمان با بنای گنبد مقبره شاه اسماعیل و به‌منظور حفظ و نگهداری اشیای باارزش موجود در آن، بنای چینی‌خانه احداث گردید (صفری، ۱۳۷۱: ۲/۲۴۸).

برخی نویسندگان در مورد تاریخ چینی‌خانه، معتقدند، این بنا مربوط به دوره‌ای است که فقط قسمت داخلی آن در عهد شاه عباس ساخته شده است. این امر از روی قسمت‌های قدیمی و خارجی بنا که بدون قرینه‌سازی به مجموعه اصلی اتصال می‌یابد، حدس زده می‌شود (ویور، ۱۳۵۶: ۸۰-۹۰). از دیدگاه دیگر این ساختمان بر روی بنایی متعلق به عصر مغول برافراشته شده است؛ چنان‌که بخش زیرین عمارت چینی‌خانه را قدیمی‌ترین قسمت مجموعه دانسته و معتقدند که آثار کاشی‌های مغولی در آن دیده می‌شود (گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

ساختمان چینی‌خانه دارای گنبد آجری است. قسمت داخلی طاق‌ها و گنبد، با گچ‌بری و رنگ‌آمیزی مخصوص و طلاکاری‌های ظریف ایجاد شده است (دیباج، ۱۳۴۶: ۵۵). احتمالاً دیوارهای خارجی این بنا به عنوان آرامگاهی برای امیران استفاده می‌شد. در این مکان، تعدادی ظروف چینی اختصاصی از جمله شش قطعه ظروف یشم و یا عقیق که تعدادشان به ۱۲۲۱ عدد می‌رسید، وجود داشت که در سال ۱۰۲۱ق، به وسیله شاه عباس اول، وقف آستان شیخ صفی شده بود (ویلبر، ۱۳۷۴: ۵۰۸؛ ویور، ۱۳۵۶: ۴).

شاه عباس در زمان حیات خود دستور داد نسخه‌های فارسی شامل دیوان‌های ادبی، کتاب‌های تاریخ و مصنفات اهل عجم، به همراه چینی‌آلاتی از لنگری‌های بزرگ فغفوری، مرتبان‌ها (تنگ‌ها)، بادیه‌ها و دیگر ظروف نفیسه غوری و فغفوری موجود در چینی‌خانه کاخ سلطنتی را به آستان متبرکه شیخ صفی‌الدین وقف نمایند (گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۴: ۱۹۸). اکثر این ظروف، دارای مهر وقف شاه عباس و با عبارت «بنده شاه ولایت عباس»، درون یک کادر

۱. آشپزخانه مقبره شیخ صفی روزی سه مرتبه به هزار نفر غیر از خدمه غذا می‌داد (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۶: ۱/۴۲).

اصفهان، سبک خاصی از هنر اسلامی ایران را در دوره صفویان به نمایش می‌گذارد. عملکرد این بنا، ظاهراً در ارتباط با تشریفات درباری و نمایش ظروف مختلف چینی بوده است. البته اسلوب و سبک‌شناسی عمارت چینی‌خانه اردبیل و طبقه پنجم عالی‌قاپوی اصفهان در استفاده از مصالح گچ، چوب، رنگ‌های طلایی و نقاشی، مشابه یکدیگر است؛ ولی زیبایی، وسعت و نمایش آفرینش‌های متنوع هنری عمارت چینی‌خانه، آن را بر تالار موسیقی عالی‌قاپو ممتاز می‌گرداند (همان: ۲۰۵). چینی‌خانه بقعه شیخ صفی به شکل چندضلعی ساخته شده و گنبدی کوتاه و آجری روی آن قرار گرفته است. داخل چینی‌خانه، محل نگهداری کتاب‌های نفیس و ظروف چینی است که بیشتر در دوره شاه عباس به این محل منتقل شده است. محل نگهداری ظروف چینی‌خانه اردبیل شباهت زیادی به کاخ عالی‌قاپو اصفهان دارد (گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

تبدیل پلان چهارگوش به دایره، در بالای طاق‌های نیم دایره (طاق‌نما)، با یک سلسله اشکال مستطیل مانند، مستقر بر فراز گوشه‌ها عملی شده است. ازاره داخلی عمارت چینی‌خانه، به ارتفاع ۲/۵۸ متر با کاشی‌های هفت رنگ منقوش پوشیده شده و روی آن طاق‌نماهای پرکار گچی، شبیه به اطاق موسیقی عالی‌قاپو اصفهان قرار گرفته است. تبدیل چهارضلعی به هشت گوش در این بنا، به وسیله طاق‌های بزرگ کاربردی انجام شده است. در مقرنس‌های تو خالی گچی ایوان‌ها و طاق‌نماها و شاه‌نشین‌ها تا محل کاشی‌های هفت رنگ، تعداد زیادی محفظه و طاقچه‌های خوش فرم به اشکال زیبای سفالی و شیشه‌ای همچون گلدان‌ها و ابریک‌ها

مربع، کنده‌کاری شده و در طاقچه‌های طاق بیش از سیصد یا چهارصد ظرف چینی قرار داشت (همان: ۱۹۹).

در سال ۱۳۱۳ق، اشیای نفیس عمارت چینی‌خانه و گنجینه‌ای از ظروف چینی ساخت کشور چین و ایران، از جمله گلدان، کوزه، بشقاب، دوری، گلابدان، چراغ‌های شیشه‌ای کتیبه‌دار، از محل خود در قفسه‌ها و محفظه‌های بریده شده از گچ، روی زمین آورده شد (همان: همان‌جا؛ فلسفی، ۱۳۶۴: ۱۷/۳؛ اوین، ۱۳۶۲: ۱۱۵). اما به‌طور کلی می‌توان چینی‌خانه مقبره شیخ صفی و ظروف چینی از نوع عصر سلاطین مینگ (خطایی، ۱۳۷۲: ۴۷۰) موجود در آن را به نوعی هدایایی از سرزمین اژدها به درباره شاه عباس دانست که احتمالاً می‌تواند بهانه‌ای برای احیای جاده ابریشم باشد.

۲-۴. سبک و معماری و تزیینات چینی‌خانه

چینی‌خانه، به لحاظ سبک معماری و تزیینات، از نفیس‌ترین و شگفت‌انگیزترین شاهکارهای هنر معماری ایران در قرن یازدهم هجری در شهر اردبیل به حساب می‌آید. این عمارت گنبددار، در سمت شرق تالار دارالحفاظ به شکل کاملاً نامتقارن بنا شده و با دو ورودی باریک با دارالحفاظ ارتباط پیدا می‌کند. داخل بنا، به شکل اتاق چهارگوشی به قطر ۱۸ متر است که در هر یک از اضلاع آن، یک تورفتگی چندوجهی ایجاد کرده و بدین ترتیب، چهار طاق‌نمای نیم هشت گوش را به وجود آورده است (گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۴: ۱۹۳).

واقعیت آن است که تزیینات پرکار و گچ‌بری‌های عمارت چینی‌خانه اردبیل و تالار عالی‌قاپو

گنبد آمده آن را محافظت می‌کند. راه دسترسی به تالار چینی‌خانه، از طریق راهروهای باریک تعبیه شده در دیوار شرقی تالار دارالحفاظ امکان‌پذیر است. مدخل سمت چپ، با کاشی‌های هفت‌رنگ مزین و با نقش پرندگان، گل‌ها، گیاهان و جانوران اساطیری متأثر از هنر چین چون اژدها همراه شده‌اند و کاشی‌های این قسمت، ضمن اینکه آسیب فراوان دیده‌اند، مرمت‌های ابتدایی و غیراصولی نیز دامنه این تخریب را گسترده‌تر کرده است. ظاهراً در این قسمت، یک قاب کاشی معرق با نقش دو طاووس متقارن نصب بوده که به موزه «ارمیتاژ» روسیه انتقال یافته و در معرض نمایش جهانی قرار گرفته است (گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۴: ۱۹۶). به هر حال، هم اکنون در این عمارت، تعداد اندکی از تنگ‌های زیبا، پیاله‌های ظریف، آفتابه‌ها و ابرق‌ها، گلدان‌های پر نقش و نگار، بشقاب‌های نفیس و اسناد و مسکوکات صفوی نگه‌داری می‌شود. تا سال ۱۳۳۹-۱۳۴۰، تعداد ظروف چینی در بقعه، مجموعاً ۸۰۶ پارچه گزارش شده است که تقریباً سیصد پارچه آن سالم و بقیه شکسته یا مو برداشته بود (همان: ۲۰۰-۲۰۱).

۳-۴. عمارت چینی‌خانه از دیدگاه سیاحان

اروپایی

بر طبق تحقیقات ویور و سیاحان اروپایی درباره عمارت چینی‌خانه، تصور بر این است که برخی از سفرنامه‌نویسان صفوی، در توصیف خود از عمارت چینی‌خانه، آن را با بنای جنت‌سرا اشتباه گرفته‌اند. امارتین ویور در کتاب خود به نقل از اولئاریوس که از عمارت چینی‌خانه بازدید کرده، می‌گوید:

ما را از تالار دارالحفاظ و از سمت راست آن به داخل عمارت وسیع دیگری هدایت کردند که

بریده و اطراف آن، با نگاره‌های نباتی آراسته و تذهیب شده است. در زیربنای چینی‌خانه، سردابه‌ای است در جهت غربی و شرقی که در اضلاع شمالی و جنوبی آن، بازوهایی به صورت متقارن ساخته شده است. به‌طور قطع و یقین، در این سردابه مریدان شیخ را دفن می‌کرده‌اند (همان: ۱۹۳). به‌طور کلی، چینی‌خانه از بیرون به شکل بنای هشت‌ضلعی نامنظمی است که در چهار طرف آن، جرزهای نیم‌دایره‌ای از سطح زمین تا محل هر یک از جبهه‌های بدون پشتیبان، شامل پنجره‌ای بلند با قوس‌های آجری نیم‌دایره وجود درد که بر فراز آن، در قسمت بالای کلاف چوبی، پنجره دیگری با قوس‌های آجری کوتاه‌تر، از نیم‌دایره در قسمت زیر کلاف بیرون آمده و بالای مجموعه، با یک ساقه کوتاه به هیبت گنبد، پوشیده شده است. نمای خارجی بنا، در قسمت ازاره، با قطعات بزرگی از تخته‌سنگ‌های آتشفشانی به رنگ خاکستری تیره، به نام «آندزیت»، به شکل قاب سنگی با فرورفتگی‌های طاق مانند به ارتفاع ۱/۸۰ متر بالا آمده است. بالای ازاره تا گنبد آن، با آجرهای مربع ساده و ملات گچ کار شده و تنها یک کلاف چوبی که روی انتهای یک دسته تیرهای چوبی قرار گرفته، یک‌نواختی دیوار را شکسته است. این کلاف چوبی، دور تا دور بنا را در ارتفاع ۴/۵ متری از سطح سنگ‌فرش فرا گرفته و حامل قسمت فوقانی دیوار بوده که به شکل خفیفی از بقیه دیوار پیش آمده است. گنبد چینی‌خانه، شامل یک ساقه کوتاه بوده و درست بالای فریز گنبد، هشت واحد روزن نور به شکل نیم‌دایره که با شیشه‌های ساده آراسته شده، جلوه‌گر است؛ گنبد بیرونی آن، در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۱ش بازسازی شده و فعلاً ورقی مسی که در سال ۱۳۷۴، روی

همه‌جا با طاق‌های آبی و طلائی پوشیده شده بود، سبک این بنا اعجاب و تحسین ما را برانگیخت (ویور، ۱۳۵۶: ۹۵).

اولئاریوس تحت تأثیر سبک خاص معماری و مقرنس‌کاری‌های چینی‌خانه قرار گرفت. وی معتقد است که این تالار را جنت‌سرا می‌نامیدند و به عنوان کتابخانه به کار می‌رفت. او در این محل، چهارصد ظرف چینی با گنجایش ده لیتر آب را مشاهده نمود. به نظر او، طرح عمارت چینی‌خانه، به فضای کلکسیون می‌ماند؛ نوع قرار گرفتن طاقچه‌ها و ظروف ویژه آن نشان از اهمیت این مکان دارد؛ همچنین در این عمارت تعدادی کتاب تاریخی نیز دیده شده که به تصاویر رنگی مزین بوده است (همان: ۷۸).

برخی دیگر از اروپاییان همچون یونکر یوهان آلبرت فن ماندلسلو^۱ نیز در عهد شاه صفی از بقعه شیخ و عمارت چینی‌خانه بازدید کردند. ناصر هم‌رنگ در مجله سبلان به نقل از یونکر می‌نویسد:

آدمی هنگامی که به اندرونی آرامگاه شیخ گام می‌نهد، چنان می‌پندارد که گویی در عالم آسمان و در چند قدمی ملاتک و شانه به شانه علیین و در دنیایی به غایت شفاف‌تر از آنچه که تا به حال دیده و شنیده و پنداشته قدم می‌زند، دیوارها را تو گویی پریان با عطر و گلاب اندود کرده‌اند نه آنکه معمار زبردستی خواسته است به وسیله اشکال گل و بوته

۱. یونکر یوهان آلبرت فن ماندلسلو، نجیب‌زاده هلشتاینی، از جمله مسافران خارجی است که بین سال‌های ۱۰۴۶-۱۰۴۸ق و در عهد شاه صفی از بقعه اردبیل بازدید نموده و نتوانسته احساس لطیف و درونی خود را پنهان کند. وی در یادداشت‌های خود از بقعه شیخ صفی، با زیباترین و عمیق‌ترین کلمات، به توصیف چینی‌خانه پرداخته است.

تکلیف خود را ادا کرده باشد؛ تو درمی‌مانی که عناصری از قبیل خاک، آب، خشت، آجر و سنگ چگونه می‌تواند آدمی را به دنیایی از این‌چنین آسمانی و پاک و جاودانه بکشاند و این چیزی است که در کلیساهای غرب هیچ به چشم نمی‌آید و شاید به همین دلیل من حق داشته باشم بگویم که بناهایی از قبیل کلیسای «ساتا صوفیا» و کلیسای «تردام» و کلیسای «سن پیترو» در مقایسه با آنچه که من در شهر اردبیل دیدم، هیچ چنگی به دل نمی‌زند (هم‌رنگ، ۱۳۷۱: ۶۱).

۵. گنبد الله الله و آرامگاه شیخ صفی

مقبره شیخ صفی‌الدین، در ضلع جنوبی مکانی معروف به قندیل‌خانه یا دارالحفاظ و سمت شمال محوطه مشهور به حیاط مقابر قرار گرفته است. این بنای استوانه‌ای شکل، پس از فوت شیخ صفی‌الدین به سال ۷۳۵ق، به دستور جانشین و پسر او شیخ صدرالدین موسی ساخته شد (گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۴: ۱۴۱). بدنه دیوار داخلی گنبد الله الله، از کف تا ارتفاع ۲/۳ متر و با ورقه‌های چوبی لته‌ای پوشیده و به دیوار می‌خکوب شده است (اولئاریوس، ۱۳۷۹: ۲/۴۹۹). «ویور» در مورد این صفحات چوبی معتقد است که ازاره چوبی، مربوط به زمانی نزدیک (احتمالاً حدود سال‌های ۱۳۰۷ق) می‌باشد. نظر این معمار انگلیسی آن است که میخ‌های ماشینی استفاده شده در ساخت این ازاره چوبی نشان دهنده آن است که این اقدام نمی‌تواند مقدم بر قرن سیزدهم هجری باشد (ویور، ۱۳۵۶: ۴۷).

«پس از این دو حجره، قسمت دیگری وجود دارد که در زیر گنبد قرار گرفته و محل آرامگاه است. این قسمت مملو از چراغ‌ها و قندیل‌ها

می‌باشد؛ از جمله هشت قنديل بزرگ نقره‌ای برای زینت از سقف آرامگاه آویخته‌اند. در قسمت جلوی ضریح، دریچه کوچکی است که فقط یک نفر می‌تواند خود را خم کرده و داخل آن شود؛ ولی هرگز کسی به جز شاه، از این دریچه عبور نمی‌کرده و او نیز در مواقعی که می‌خواست با جلد بزرگ خود راز و نیاز کند، از آنجا خود را به مزار وی می‌رساند.» (دلواله، ۱۳۴۸: ۳۷۲).

اطراف مزار شیخ صفی که در حدود سه قدم از سطح زمین بالاتر ساخته بودند، پنجره‌ای از طلا بود. زمانی که سفرای خارجی می‌خواستند به آنجا داخل شوند، ایرانیان مانع می‌شدند و می‌گفتند شخص شاه نیز نمی‌تواند به آن مکان داخل شود تا چه رسد به کافرانی چون سفیران و همراهان ایشان (فلسفی، ۱۳۶۴: ۳/۶۸۸).

آرامگاه شیخ صفی، بسیار زیبا و نفیس تزیین شده بود به طوری که در قسمت عقب طلاکاری زیادی داشت و فاصله ضریح و اطراف قبر، از زمین در حدود سه پا، طول آن نه پا و عرض آن چهار پا بود. بالای قبر، چند چراغ طلایی از سقف آویخته و در دو طرف آن دو شمعدان با پایه‌های طلایی قرار داده بودند که شمع‌هایی در آن می‌سوخت (اولتاریوس، ۱۳۷۹: ۴۹۷).

باید افزود که مقبره شیخ صفی، از داخل، به صورت هشت ضلعی بنا شده و گنبد معروف به «الله الله» بر بالای آن جا گرفته است. ارتفاع این گنبد از سطح زمین، ۱۷ متر است که دارای کاشی‌کاری زیبا و کتیبه‌ای به خط کوفی شامل آیات قرآن است. در زیر گنبد، صندوق منبت مرقد با کتیبه‌ای به خط رفاع قرار گرفته و کف مقبره، با سنگ‌های الوان مفروش و دیواره‌های مقبره با کاشی‌کاری تزیین شده است (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۶۶).

۶. مسجد شیخ صفی

بازسازی مسجد شیخ صفی در اردبیل، به عنوان یک مسجد ضریح دار و با سبک برجسته و با حفظ اجزای مسجد قدیمی آن، از قرن دهم هجری شروع و در نیمه قرن یازدهم به پایان رسید. مسجد مذکور در میدانی عریض و در صحن باغچه‌دار مستطیل شکلی، با دروازه عظیم خارجی، قرار گرفته و به دنبال آن، بناهای اصلی به صورت مایل واقع شده است. در سمت چپ و کنار صحن بزرگ داخلی به عرض و طول ۱۶ × ۳۱ متر، مسجد قدیمی به نوعی خاص و به شکل هشت گوش بر روی شانزده ستون چوبی با جا پنجره‌ای و بدون محراب استقرار یافته است (کونل، ۱۳۵۵: ۱۸۲). در گوشه راست آن، مرقد شیخ قرار دارد. این آرامگاه از یک قبر کوچک، نمازخانه و همراه با طاق‌نماهای قائم‌الزاویه بر دو طبقه تشکیل گردید. نمای خارجی آن از آجر ساخته شده و بسیار زیبا است. تا نیمه دیوارهایش نیز با کاشی‌های لعابی تعبیه شده است (همان: ۱۸۴). بنای مرکزی که در کنار آرامگاه واقع شده، «چینی‌خانه» است. این مکان که محل نگه‌داری ظروف چینی است در قرن هفدهم میلادی بنا شده است. علاوه بر این، آشپزخانه‌های بزرگ و اطاق نشیمن برای بزرگان دین، حجاج و فقرا نیز جزو همین مجموعه محسوب می‌شد. در اغلب بناهای مذهبی که در دوره صفویه بنا گردید، از کاشی‌های لعاب‌دار منقوش استفاده شد که از نظر هنری و معماری در مسجد اردبیل به دوره کمال رسیده است. فرمانی از زمان شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق)، حاوی دستورات مذهبی آن شاه که بر روی لوحه سنگی نقر شده، بر

روی دیوار نمای نمازخانه نصب گردیده است (شهبازی شیران، ۱۳۷۲: ۹).

۷. مسجد جنت سرا

اما یکی از گونه‌های معماری که آثار زیادی را می‌توان در زیرمجموعه آن قرار داد، مقابر و یا بناهایی هستند که بر گور افراد مشهور و یا حتی ناشناس ساخته شده و در گذر زمان به مجموعه‌ای تاریخی تبدیل شده‌اند. گذشته از مکان‌های مقدسی همچون اماکن متبرکه‌ای که امامان و امامزادگان شیعه در آنها مدفون‌اند، تعدادی از بزرگان در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، در مدفن‌های این مقابر به خاک سپرده شده‌اند. در این میان مقابر حاکمان و بزرگان صفوی و دوران پس از آن، گونه‌ای از افول معماری تدفینی پس از سده‌های میانه به‌شمار می‌آیند. چنان‌که مقابر غیرمذهبی، جای خود را به آرامگاه‌ها و بقاع اولیا و مقدسین داد. عرصه این‌گونه قبور، معمولاً خیلی وسیع و مشتمل بر بناهای فرعی، حیاط‌های مجاور یکدیگر و باغ‌های گسترده بود و نظیر آنها را در مزار اردبیل می‌توان یافت که مشتمل بر چندین مقبره است که بزرگ‌ترین آن جنت‌سرا، محل دفن شاهان و بزرگان صفوی و غیره، می‌باشد (هیلن برن، ۱۳۸۳: ۲۹۴، حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۹۰). این مسجد با گنبدی آجری و با مشبک‌گره چینی، در سمت شرقی حیاط، به صورت فضای هشت ضلعی طراحی و ساخته شده و محل سماع دراویش و برگزاری آیین‌های خاص آنان بوده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۱: ۸۷؛ کیانی، ۱۳۷۴: ۱۶۷). به همین دلیل، به نام میدان دراویش نیز معروف است (شهبازی شیران، ۱۳۷۲: ۷). مسجد مذکور، از نظر اصول و سبک معماری

دارای نظم و ترتیب خاصی بوده است و همانند آن، در سلطانیه زنجان نیز دیده می‌شود (همان، ۱۳۷۲: ۷). احتمالاً مسجد جنت‌سرا که مربوط به اواخر قرن هفتم هجری است و بعد از آن مقبره شیخ صفی (۷۵۰ق) و سپس مقبره خوانین از بناهای اولیه مجموعه می‌باشد (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۲۴۱).

۸. حرم‌خانه

در سمت شرقی مقبره شاه اسماعیل صفوی، در دو لنگه‌ای پوشیده از ورقه‌های نقره وجود دارد. از این درب، به واسطه یک دالان طاق‌دار که کف آن با نمدهای کهنه و منقوش و عقیق مفروش شده، وارد اتاقی مربع شکل به طول ۵ متر که دیوارهای آن به شکل ساده‌ای سفیدکاری شده، می‌شویم که «حرم‌خانه» نام دارد. حرم‌خانه، محل دفن زنان خاندان صفوی و برخی مردان کم‌اهمیت است. همچنین حرم‌خانه محل سکونت عیال شیخ صفی به نام «فاطمه‌خاتون» بوده که پس از مرگ او، به عنوان آرامگاه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۰۹).

۹. حیاط بزرگ - چله‌خانه

در تابستان ۱۳۷۴، هنگام تخریب دیوار قسمت جنوب غربی حیاط بزرگ مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، به منظور رطوبت‌زدایی و بازسازی و مرمت، چند لایه دیوار قدیمی از دوره‌های مختلف آشکار شد. دیوار جبهه شمالی چله‌خانه جدید که آن را از حیاط بزرگ جدا می‌کند، دارای چهار دوره تاریخی است که قدیمی‌ترین آن به قرن هشتم و نهم هجری تعلق دارد. مطالعات نشان می‌دهد که دیوار مزبور به

آمده است. حیاط بزرگ مقبره واقع در گوشه شرقی میدان عالی‌قاپو، دارای ۹۲ متر طول و ۲۶/۵۰ متر عرض می‌باشد. این بنا در دوره قاجاریه تعمیر و بازسازی شده است (صفری، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۱۰-۲۱۱).
صفری به نقل از یونکر یوهان آلبرت فن ماندلسلو می‌نویسد:

به حیاط دیگری داخل شدیم که با سنگ مرمر فرش شده بود و در اطراف آن طاق‌نما و دکان‌هایی ساخته بودند. در داخل این حیاط، سقاخانه زیبایی نیز دیده می‌شود که از شیر آن آب فرو می‌ریخت و این آب را از محل دوردست، برای مصرف کارکنان بدان‌جا آورده بودند. این محل را چله‌خانه می‌نامیدند (همان: ۲۴۲).

۱۰. مقبره شاه اسماعیل بزرگ

مقبره شاه اسماعیل بزرگ (۹۰۷-۹۳۰ق) در سمت شرقی محوطه شاه‌نشین است. قبرش با مساحت ۲/۵ × ۳/۵ متر در وسط اطاق مربع شکل واقع است. بدنه دیوارهای داخلی با کاشی‌های لاجوردی نفیس، همراه با نقش‌هایی با آب طلا، پوشیده است. در وسط کاشی‌های دیوار سمت چپ، از در ورودی، قطعه سنگی نصب است که در آن پنجه انسانی، به ابعاد بزرگ‌تر نقر شده است. این کاشی‌ها تقریباً تا ارتفاع سه متری دیوارهای محوطه را می‌پوشاند و بالاتر از آنها که به شکل استوانه درآمده و گنبد آرامگاه شاه اسماعیل را تشکیل داده، از داخل با نقاشی‌های زیبای عهد صفوی منقوش شده است. صندوق قبر، از گران‌ترین نوع خاتم‌کاری درست شده است (همان: ۲۳۷).

۱۱. شهیدگاه

در جنب مقبره شیخ صفی، دو آرامگاه متعلق به

طرف غرب ادامه داشته ولی به هنگام شکل‌گیری وضع کنونی مجموعه در اواخر عصر قاجار و حذف فضاهایی از اراضی مجموعه، تخریب شده است. ضمن حفاری، مشخص گردید که مجموعه شیخ صفی در دوره صفویه بزرگ‌تر و وسیع‌تر از مجموعه امروزی بوده و از اواخر دوره قاجار به بعد، قسمت‌هایی از زمین‌های اطراف آن به وسیله اشخاص مختلف تصاحب و تبدیل به منازل شخصی و محل کسب و کار گردیده است (همان: ۴۱۱).

دیوار جدید چله‌خانه، با عقب‌نشینی تقریباً نیم متر، بر روی بقایای دیوار قدیمی شکل گرفته است. تراش و قاب‌بندی و آرایش سنگی این دیوار، صرف‌نظر از ابعاد سنگ‌های آن، کاملاً شبیه نوع سنگ‌کاری ازاره سنگی نمای بیرونی بنای چینی‌خانه و یادآور یک سبک و شیوه کار حجاری است و حتی نوع سنگ‌های این دو موضع نیز یکسان می‌باشد (اولناریوس، ۱۳۷۹: ۴۹۶).

در سمت راست این حیاط، بنا و ایوان زیبایی از سنگ‌های سبز و آبی قرار داشته که تمامی آن را با قالی‌های نفیس و گران‌بها، فرش کرده بودند. در این بنا و ایوان، به طوری که می‌گفتند، شیخ صفی چهل روز تمام تنها روزانه با یک بادام و مقداری آب به ریاضت و عبادت مشغول بود و به همین جهت این محل را «چله‌خانه» نامیدند (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۶۷).

باید گفت که صحن مقبره، مستطیل شکل و دارای ۳۰/۴ متر طول و ۱۶/۱ متر عرض می‌باشد. سر در مقبره، در محوطه‌ای معروف به عالی‌قاپو واقع شده و دارای کاشی‌کاری و کتیبه کوفی است. قسمت بالای سر در از بین رفته ولی کتیبه آن که در حدود دوازده متر طول و یک متر عرض دارد، باقی مانده است. در کتیبه، نام شاه عباس دوم و تاریخ ۱۰۵۷ق

روپوش‌های تاریخی مزبور به تهران منتقل شد، دیگر روپوشی بر آن صندوق دیده نشده است. به روایتی این صندوق چوبی، از طرف همایون گورکانی (۹۶۳-۹۳۶ق) امپراتور مغولی هند، فرستاده شد (همان: ۴۹).

از انتهای این رواق، داخل یک گنبد هشت‌ضلعی می‌شوند که در وسط آن، مقبره و ضریح چوبی خاتم‌کاری شده شاه صفی واقع است که ارتفاع آن از قامت یک مرد متوسط تجاوز نمی‌کند. ضریح مذکور به صندوق بزرگی شبیه است که در چهار گوشه بالای آن، چهار سیب بزرگ طلا نصب شده است. همچنین در رواق و گنبد، تعداد زیادی قندیل طلا و نقره و میناکاری بسیار عالی وجود دارد که در هر یک، شمعی بزرگ از موم جای دارد که تنها در اعیاد بزرگ روشن می‌شوند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۷۴).

اولتاریوس در مورد کاشی‌کاری و گنبد آرامگاه شیخ صفی معروف به گنبد الله الله می‌نویسد: از صفای باطن شیخ صدرالدین موسی بر معمار الهام گردید و لفظ مقدس الله زینت ظاهری و معنوی خاصی بدین گنبد داده است (اولتاریوس، ۱۳۷۹: ۱۲۵-۱۳۵).

دور برج مقبره شیخ صفی، از خارج، کتیبه بزرگ آجری است که نام الله با کاشی روی آن مکرر آمده است. کاشی‌کاری حیاط و سردر که در انتهای خیابان شیخ، در مسافت کمی واقع شده، فوق‌العاده زیبا است. موزاییک‌کاری آن با طرحی زیبا و در رنگ‌های گوناگون با دقت بریده شده است (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۳).

۱۴. گنجینه کتاب مجموعه شیخ صفی

بقعه شیخ صفی‌الدین علاوه بر عمارت چینی‌خانه و

سلطان حیدر و شیخ جنید وجود دارد که به دستور شاه اسماعیل صفوی، در این مکان دفن شده‌اند. در سال ۹۰۵ق، شاه اسماعیل تصمیم گرفت که جنازه پدرش را از شروان به اردبیل منتقل کند. پس از دفن مجدد آنان در جنب مقبره شیخ صفی، آن محل به «شهیدگاه» معروف شد (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۶۷).

۱۲. درگاه ورودی

در پیرامون تزیینات درگاه ورودی مجموعه شیخ، سردر زیبایی در انتهای خیابان شیخ صفی در مسافت کمی واقع است. موزاییک‌کاری آن، با طرح و رنگی زیبا است که با دقت بریده و در آن به کار رفته است. لنگه‌های در بر روی پاشنه‌های آهنی می‌گردد، زیرا اولاً هیچ لولایی سنگینی آنها را تحمل نمی‌کرد و ثانیاً اینکه لولا به شکل امروزی در آن زمان معمول نبود (ویلسن، بی‌تا: ۲۰۳؛ شهبازی شیران، ۱۳۷۲: ۳۰).

۱۳. هنر خاتم‌کاری، معرق و منبت‌کاری در

صندوق بقعه شیخ صفی

دوره صفویه از لحاظ هنرهای جنبی معماری هم چون خاتم‌کاری، منبت‌کاری و کاشی‌کاری به منتهای درجه زیبایی خود در تاریخ هنر اسلامی رسیده و سبک خاصی را احراز نموده است (گل‌مغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۴: ۲۰۶). در این میان چشم‌گیرترین اثر فرهنگی و هنری بقعه، صندوق خاتم‌کاری، منبت‌کاری و معرق‌کاری شده در آن بنا است (صفری، ۱۳۷۱: ۲۳۷). این صندوق در زیر گنبد آرامگاه و بر روی مقبره شیخ صفی‌الدین واقع است که در ابتدا با روپوشی زرین قرمز رنگ از حریر، بافته شده به دست استادان فن، پوشیده می‌شد ولی از سال ۱۳۱۴ش که

مربوط به قرون دهم و یازدهم هجری قمری بود به کسی بدهند (ویور، ۱۳۵۶: ۷۸-۷۹). کتابخانه مجموعه مذهبی شیخ صفی، در زمان افشاریان و مخصوصاً شخص نادرشاه که از نفوذ و قدرت صفویه و خانقاه اردبیل دائماً در هراس بود، و همچنین در عهد قاجاریان، به واسطه نبردهای خونین ایران و روس و دست‌اندازی روس‌ها بر اردبیل، آسیب دید. علاوه بر نادرشاه که در هر گذری به اردبیل، تعداد ارزشمندی از کتب این مجموعه توسط او و خوانین به تاراج رفت، امرا و حاکمان بعدی و افغانه نیز در تخریب کتابخانه مجموعه مذهبی شیخ صفی نقش اساسی داشتند (صفری، ۱۳۷۱: ۲/ ۷۸-۷۹). بر اساس گزارش مورخان و مسافران اروپایی، بقعه شیخ صفی‌الدین در زمان شکوفایی خود، یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های ایران را دارا بود و کتاب‌های آن، از باارزش‌ترین نسخ خطی روزگار به‌شمار می‌رفت. چنانچه اکثر مسافران اروپایی ضمن دیدار خود از بناهای بقعه، به ارزش و نفاست نسخ موجود اشاره نموده‌اند. طبیعتاً بعد از انقراض صفویان، آثار خطی بقعه نیز همانند خود مجموعه، دچار غارت و بی‌مهری شد. موسوی اردبیلی به نقل از جیمز موریه می‌نویسد:

مقبره به کل متروک بود و کتاب‌های کتابخانه مثل کاغذی روی هم رفته توده شده بودند و موریانه‌ها و حشرات دیگر در انقراض آن کمک می‌کردند (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۷۴).

۱۵. قالی‌های بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی

در قرن دهم هجری در اردبیل، پنبه، ابریشم و پارچه‌های پشمی، بافتنی‌های ابریشمی گلدوزی شده، ظروف سفالی لعاب‌دار و نقش‌دار، پوست و

آرامگاه برخی از بزرگان صفوی، شامل مساجد و مدارس عالی نیز بود و شاه عباس، در اوایل قرن یازدهم هجری، کتابخانه بسیار مهمی در آنجا احداث کرد. گنجینه مذکور حاوی عالی‌ترین، کمیاب‌ترین و گرانبهاترین کتب خطی بود اما در سال ۱۳۲۸ق روس‌ها آنها را غارت و به کتابخانه آکادمی علوم در سن پترزبورگ منتقل کردند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲/ ۷۴۲؛ دائرةالمعارف بریتانیکا، ۱۹۹۱م: ۱/ ۱۱۰). کتاب‌های کتابخانه شیخ به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی به طرز نامنظمی در قفسه‌ها بر روی یکدیگر قرار داشتند. اوراق چند عدد از این کتاب‌ها از پوست حیوانات و چندتای دیگر از کاغذ بود که بسیار تمیز و زیبا بر آن نوشته بودند. در کتب تاریخی، اشکال و تصاویری نقاشی شده بود. چنانچه بر جلد کتاب‌های سختیان^۱ رنگ سرخ کشیده بودند که با نقوشی از گل، شاخ و برگ گیاهان و درختان با طلا آرایش شده بود. این کتاب‌ها را در طاقچه‌هایی با درهای چوبی مخصوص در کتابخانه مجموعه، واقع در عمارت چینی‌خانه قرار می‌دادند (اولتاریوس، ۱۳۷۹: ۷۸-۷۹).

همچنین در مورد آثار موجود در بقعه شیخ صفی، از قرآنی سخن می‌گویند که به خط حضرت علی (ع) نوشته شده بود؛ و نیز قرآنی که در اوایل قرن هفتم هجری نوشته شده بود که دو نفر به سختی می‌توانستند آن را بلند کنند. کتاب‌ها جملگی با مهر شاه مهور و هر کسی که آنها را از محل خود منتقل می‌ساخت، لعن و نفرین می‌شد (صفری، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۵۳-۲۵۴). در این زمینه هر اندازه پول هم به روحانیون می‌دادند، آنها حاضر نبودند کتاب‌ها را که

۱. به معنای پوست دباغی شده بز، یعنی تیماج است.

کرده‌اند. در هر گوشه، ربعی از نقش وسط فرش بافته شده و حاشیه‌های زمینه آبی پررنگ فرش نیز با گل‌ها و طرح‌های آرابسک سرخ، سبز و زرد پوشیده شده است. با آنکه این فرش مملو است از نقش‌های باریک و ظریف باز، در آن خاموشی و آرایشی است که انسان را به تفکر وامی‌دارد (ویلسن، بی‌تا: ۱۸۹). تصویر حاشیه آن روی کاشی‌های دیوار صحن نمازخانه دیده می‌شود. در حاشیه این قالی، اسم «مقصود کاشانی» آمده است؛ ولی معلوم نیست که این شخص بافنده قالی بوده یا تقدیم‌کننده آن (شه‌بازی شیران، ۱۳۷۲: ۱۴۸-۱۴۹). اما برخی از پژوهشگران معتقدند، مقصود کاشانی آن را در سال ۹۴۶ق رفو نموده و به عنوان تعمیرکار، نام خود را بافته و به مقبره شیخ صفی وقف کرده است (سامی، ۱۳۴۹: ۴۵-۴۶). این قالی را محصول کار بافندگان تبریز می‌دانند و جنس پشم آن این مطلب را تأیید می‌کند. از قالی‌های دیگر مقبره شیخ صفی، می‌توان از یک قالی با نقش حیوان و دیگری نیز یک قالی ابریشمی بسیار عالی سفید رنگ با نام ترنج سیاه رنگ یاد نمود (شه‌بازی شیران، ۱۳۷۲: ۱۴۸-۱۴۹).

۱۶. نتیجه‌گیری

اردبیل پایتخت معنوی صفویان همیشه و همواره مورد توجه شاهان صفوی بوده و با وجود اثر عوامل طبیعی مثل زلزله، سیل و ویرانی‌های ناشی از آن، باز هم از عنصرهای عالی ایران محسوب شده و به صورت عینی، تلاش‌های هنرمندان ایرانی و سبک معماری آذری و اسلامی مشهود می‌باشد.

بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مجموعه آن از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین هنر اسلامی یادگار دوره

فرآورده‌های فلزی و چوبی تولید می‌شد و قالی‌بافی نیز در این شهر پیشرفت فراوانی کرده بود. قالی بافته شده «شیخ صفی» از نمونه‌های گران‌قیمت قالی بافته شده در آذربایجان است.

یکی از آثار ارزشمند بقعه شیخ صفی، قالی‌هایی بود که اکنون در موزه‌های اروپایی است و به سبب اهمیت خاص آن مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است (جوادی، ۱۳۷۷: ۱۵). این قالی با مساحت ۵۵/۷۵ متر مربع (۵/۵ × ۱۰/۵ متر)، در سال ۹۴۶ق، در سیزدهمین سال سلطنت ۵۲ ساله طهماسب صفوی، بافته شد. در طرح قالی، تمثیل کهن، یعنی اشاره به خورشید دیده می‌شود (پوپ، ۱۳۳۸: ۸۸؛ به‌آذین، ۱۳۸۲: ۱۰۸-۱۰۹). در نقش حاشیه این قالی، مطلع یکی از غزلیات حافظ، همچنین نام استاد بافنده و تاریخ بافت نقش بسته است که مطلع یاد شده عبارت از:

جز آستان توام در جهان پناهی نیست

سر مرا به جز این در حواله‌گاهی نیست

در دوره قاجاریه و به سال ۱۳۱۱ق، تجارتخانه «زیگلر»، قالی مزبور را از روحانیون بقعه خریداری کرده‌اند. این قالی امروزه جزء گران‌بهاترین ذخایر و اشیای قدیمی موزه ویکتوریا و آلبرت لندن است (عون‌الهی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۳۱؛ جامعی، ۱۳۶۹: ۱۱۷).

این فرش معروف اردبیل، بهترین نمونه برای نشان دادن سبک دوره شاه طهماسب صفوی است. این فرش با زمینه آبی پررنگ، با گل‌های شاه عباسی و ساقه‌های در هم پوشیده آراسته شده است. در میان آن، یک ترنج بزرگ است که گرداگردش را ترنج‌های کوچکی گرفته و در هر سو یک قندیل مسجد که نشانه تقدس آن فرش است، منقش

منابع

- صفویه و شاهکاری از هنر و معماری و نمونه‌ای نادر از معماری اسلامی در قرون وسطا به شمار می‌رود که در طول حکومت صفویه به شکل کامل‌تری تغییر و توسعه یافته و بناهایی از قبیل مسجد، مقبره شیخ صفی، حرم‌خانه، چینی‌خانه، حیاط بزرگ، چله‌خانه، شهیدگاه، مقبره شاه اسماعیل بزرگ، درگاه ورودی، گنجینه کتاب مجموعه شیخ صفی و نیز قالی‌های نفیس بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به آن اضافه شده است. هنر عجیب و ارزشمند خاتم‌کاری، معرق، منبت‌کاری، کاشی‌کاری و تزیین‌کاری در آنجا مشاهده می‌شود و این هنرها نظر خاورشناسانی از قبیل آدام اولتاریوس، مارتین ای. ویور، پیتر، دلواله، دونالد، کریستی ویلسن، آرتور، ایهام، تاورنیه و دیگران را به خود جلب نموده است.
- بنابراین با توجه به مطالب مقاله باید گفت بقعه تاریخی و زیبای شیخ صفی‌الدین اردبیلی با قدمتی طولانی اوج هنر و معماری ایران است که به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی شهر اردبیل به شمار رفته و از موارد منحصر به فرد این مجموعه این است که بقعه مذکور حاوی ده‌ها اثر بدیع در مضامین مختلف رشته‌های هنری است که از آن جمله می‌توان به عالی‌ترین نوع کاشی‌کاری معرق و مقرنس و گچ‌بری کتیبه‌های زیبا و نفیس و خط خطاطان بزرگ دوره صفوی، منبت‌های ارزنده، نقره‌کاری، تذهیب و طلاکاری، نقاشی و تنگ‌بری و غیره اشاره کرد. این اثر از ساختار معماری فخمی برخوردار است که گردهم آمدن فضایل هنری نامبرده، آن را در مجموعه‌های تاریخی ایران شاخص و متمایز نموده است.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۷۶). *مرآة البلدان*. تصحیح عبدالحسن نوایی و هاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- اوبن، ژان (۱۳۶۲). *ایران امروز*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۷۹). *سفرنامه*. ترجمه حسین کردبچه. تهران: هیرمند.
- ویور، مارتین (۱۳۵۶). *مسائل حفاظتی ۵ بنای تاریخی ایران*. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران: سازمان حفاظت آثار باستانی ایران.
- به‌آذین، داریوش (۱۳۸۲). *اردبیل*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پوپ، آرتور ایهام (۱۳۳۸). *هنر ایرانی*. ترجمه غلامحسین صدری افشار. تهران: اختران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۰). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تدوین دکتر غلامحسین معماریان. تهران: نشر پژوهنده و معمار.
- تاورنیه، ژان پاتیست (۱۳۳۶). *سفرنامه*. ترجمه ابوتراب نوری. اصفهان: نشر تأیید.
- ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۵۵). *آثار باستانی آذربایجان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- جامعی، بیوک (۱۳۶۹). *نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل*. تهران: علمی و فرهنگی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جوادی، سید مهدی (۱۳۷۷). «زادگاه محقق اردبیلی». *کیهان اندیشه*. ش ۶۷. ص ۱۲۱-۱۲۹.
- جمعی از نویسندگان، (۱۹۹۱). *دائرةالمعارف بریتانیکا*. جلد ۱. ص ۱۱۰.
- خطایی، علی‌اکبر (۱۳۷۲). *خطای نامه*. چاپ دوم. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- خلخال، سید عبدالرحیم (۱۳۰۵). *بقعه شیخ صفی*. مجله

- ارمغان. دوره هفتم. شهریور و مهر. ش ۶ و ۷. ص ۳۹۶ تا ۴۰۲
- بقعه شیخ صفی: مجله ارمغان. دوره هفتم. شهریور و مهر. ش ۶ و ۷. ص ۳۹۶ - ۴۰۲.
- حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین (۱۳۸۳). خلاصه‌التواریخ. تصحیح احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
- دلواله، پیتر (۱۳۴۸). سفرنامه. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- دیباچ، اسماعیل (۱۳۴۶). آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان. تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- سیوری، راجر (۱۳۷۴). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). سفرنامه. ترجمه اقبال یغمائی. تهران: توس.
- شایسته‌فر، مهناز؛ گل‌مغانی‌زاده اصل، ملکه (۱۳۸۱). «تزیینات کتیبه‌ای نمای بیرونی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»: مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ش ۳۷، ص ۸۳-۱۰۳.
- شهبازی شیران، حبیب (۱۳۷۲). مجموعه شیخ صفی در اردبیل. اردبیل: انتشارات آرتا.
- صفری، بابا (۱۳۷۱). اردبیل در گذرگاه تاریخ. چاپ دوم. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.
- عون‌الهی، سیدآغا (۱۳۸۷). تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان. تهران: امیرکبیر.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۶۴). زندگانی شاه عباس اول. تهران: دانشگاه تهران.
- کونل، ارنست (۱۳۵۵). هنر اسلامی. ترجمه هوشنگ طاهری. تهران: توس.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۴). تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
- گل‌مغانی‌زاده اصل، ملکه (۱۳۸۴). باستان‌شناسی تاریخ هنر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. اردبیل: نیک آموز.
- مجربی، حسن (۱۳۹۲). تصوف و تشیع در اردبیل از دیدگاه خاورشناسان در دوره صفویه. اردبیل: نشر مکارم.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۹). نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی. تهران: انجمن آثار ملی.
- مطراق‌چی، نصوح (۱۳۷۹). بیان منازل. ترجمه و تعلیق رحیم رئیس‌نیا. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت معرفی و آموزش.
- موسوی اردبیلی، فخرالدین (۱۳۷۸). تاریخ اردبیل و دانشمندان. چاپ دوم. اردبیل: شیخ صفی‌الدین.
- موسوی، رئوف (۱۳۸۲). جغرافیای تاریخی استان اردبیل. اردبیل: انتشارات مقدس اردبیلی.
- ورجواند، پرویز (۱۳۷۰). «بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی». دایرة‌المعارف تشیع. جلد ۳. ص ۳۶۷.
- ویلسن، کریستی (بی‌تا). تاریخ صنایع ایران. ترجمه عبدالله فریار. تهران: فرهنگسرا.
- همرنگ، ناصر (۱۳۷۱). «اردبیل از دیدگاه جهانگردان». مجله سبلان. ش ۳. ص ۵۳-۶۸.
- هیلن برند، روبرت (۱۳۸۳). معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. چاپ دوم. تهران: روزنه.